

تهران - آنکارا و ظرفیت‌های یک ارتباط



روابط ایران و ترکیه در دو سه سال اخیر دستخوش تحولات بسیاری شده است. از رقابت‌های منطقه‌ای برای اثرگذاری در مسائل خاورمیانه گرفته تا بحران سوریه و عراق و گروهک داعش و حالا بحران کوبانی.

روابط ایران و ترکیه در دو سه سال اخیر دستخوش تحولات بسیاری شده است. از رقابت‌های منطقه‌ای برای اثرگذاری در مسائل خاورمیانه گرفته تا بحران سوریه و عراق و گروهک داعش و حالا بحران کوبانی. جمهوری اسلامی ایران پس از روی کار آمدن دولت یازدهم سعی کرده است روابط مناسبی را با همسایه شمال غربی خود داشته باشد هرچند بنا به گفته روحانی، اختلاف نظرهایی میان این دو کشور وجود دارد.

به نظر می‌رسد دستگاه دیپلماسی ایران تمام سعی خود را می‌کند تا مانع بروز تنش در روابط تهران - آنکارا شود و اختلاف نظرها را در مسیر دیپلماتیک پیگیری کند. روشن است که اگر این تلاش‌ها نبود مسائلی چون بحران سوریه، مقابله با داعش، بحران عراق و مسائل پیرامون انتخاب نخست وزیر در این کشور یا یکی دو اظهار نظر جنجالی مقامات ترکیه هریک به تنهایی برای تیره ساختن روابط دو کشور، کافی بود. در بحرانی مانند کوبانی نیز محمدجواد ظریف، وزیر خارجه کشورمان در اظهارنظری دخالت هر یک از کشورها را به ضرر آنها دانسته بود؛ ضرری که شاید امروز معنای آن برای ترک‌ها روشن تر شده باشد.

شاید نتایج این بحران اثراتی جدی در روابط تهران - آنکارا نداشته باشد اما در موقعیت آنها در حل مسائل منطقه اثرگذار است. چیزی که حداقل اردوغان با ادعاهای تازه اش جدی تر از پیش به دنبال آن است. البته رقابت میان ایران و ترکیه در اثرگذاری بر مناسبات منطقه‌ای، سابقه دیرینه‌ای دارد که با مسائل اخیر وارد مرحله تازه‌ای شده است. شاید همین مساله موجب شد معاون عربی و آفریقای وزیر امور خارجه ایران چنین موضعی را در برابر بحران کوبانی بگیرد «گفت وگوهای ما با دوستان ترکیه برقرار است و ما فکر می‌کنیم این کشور می‌تواند بیشترین نقش را برای بازگشت آوارگان سوری به سرزمینشان داشته باشد. ما در گفت وگوهای اولیه با ترکیه دریافتیم که این کشور به دنبال تشدید بحران در منطقه نیست و امیدواریم نقش مثبتی ایفا کند.»

همه چیز نشان دهنده این است که تمایل نداشتن ترکیه برای پنهان کردن نیت خود در کوبانی، عملاً توپ را در زمین آنکارا قرار داده و سرنوشت این بحران می‌تواند بر نقش ترکیه در مسائل جاری منطقه ای اثرگذار باشد.

تحلیل رفتار ترکیه در حوزه سیاست خارجی نیازمند نگاه به مسیری است که این کشور در یک دهه اخیر در پیش گرفته است. داوود اوغلو به عنوان معمار و طراح سیاست خارجی ترکیه، افق‌های تازه‌ای را برای آنکارا در منطقه ترسیم کرده که توجه به آن زوایای بیشتری از رفتار این کشور را در مناسبات منطقه‌ای، روشن می‌سازد. براساس نظرات او که با عنوان «عمق استراتژیک» از آن یاد می‌شود، بازیابی موقعیت تاریخی ترکیه با تکیه بر ویژگی‌ها و نفوذ تاریخی دولت عثمانی، به این کشور کمک می‌کند به جایگاه بهتری در قلب منطقه خاورمیانه، آسیای مرکزی و شمال آفریقا دست یابد. نظرات داوود اوغلو که به نام «نوعثمانی‌گری» نیز شناخته می‌شود، دستیابی ترکیه را به موقعیت بهتر، منوط به نفوذ و اثرگذاری آن در مناسبات چند منطقه نام برده می‌داند و تلویحا خبر از نظم تازه‌ای می‌دهد که در آن ترکیه نقش موثری را ایفا می‌کند. او بر این اعتقاد است که موفقیت ترکیه در گرو حل مسائل داخلی و بهبود روابط خود با همسایگان است. همسایگانی که در طول تاریخ به بهانه‌های مختلف با این کشور درگیر بوده‌اند. از همین رهگذر «سیاست تنش صفر» برای به صفر رساندن تنش در روابط خارجی ترکیه یکی از مهم ترین استراتژی‌های او در دوران تکیه اش بر مسند وزارت امور خارجه این کشور بود و حالا در قامت نخست وزیر به دنبال آن است.

ریشه‌های فرار ترکیه از مواضع ضد داعش

آنچه در این میان برای برخی غیرقابل فهم بود، زمینه سازی ترکیه برای قدرت گرفتن گروهک تروریستی داعش است. آنکارا رفته رفته با عملی شدن استراتژی‌های آکادمیک داوود اوغلو در سیاست خارجی در برخی حوزه‌ها دچار مشکلاتی شد. سوریه و عراق در نظم تازه‌ای که اردوغان به دنبال آن بود موانعی جدی محسوب می‌شدند و تلاش‌های این کشور نیز برای همراه کردن آنان بی فایده تلقی می‌شد. از این رو هر عاملی که بتواند در این دو کشور اوضاع را برهم بزند و تا حدودی فضا را برای اثرگذاری ترکیه آماده سازد می‌تواند مورد حمایت ترکیه باشد. داعش گروهکی بود که این شانس را پیدا کرد و با وجود تهدیدهایی که در برهه‌ای به طور مستقیم برای اردوغان ارسال می‌کرد یا گروهانگیری کارکنان سفارت این کشور، همچنان از حمایت پیدا و پنهان اردوغان برخوردار است. برخی در کنار این مساله به عنوان مهم ترین عامل حمایت ترکیه از داعش معتقدند منابع انرژی در اختیار دولت اسلامی عراق و شام نیز جذابیت زیادی برای ترکیه در حال توسعه دارد. چرخ‌های توسعه این کشور پس از گذار از یک دهه موفقیت آمیز اقتصادی بیش از پیش تشنه نفت و انرژی است. طبیعتاً افق‌های ترسیم شده در بخش اقتصادی زمانی دست یافتنی تر خواهد بود که عوامل سرعت دهنده تحقق آنها به خدمت چرخ دنده‌های توسعه در ترکیه درآیند. تسلط داعش بر چند چاه نفت و پالایشگاه در عراق فرصت خوبی را در این زمینه ایجاد کرده است.

داعش که به دلیل اقدامات تروریستی و دشمن تراشی‌های بسیارش، مشتری آنچنانی برای نفت خود ندارد و از طرفی نیز نیاز شدیدی به پول آن برای پیشبرد اهداف خود دارد، ترکیه را به عنوان بهترین گزینه فروش نفت انتخاب کرده است. این معاملات

به صورت پنهان انجام می شود و همین موضوع در کنار دیگر دلایل یاد شده، انرژی بسیار ارزان قیمتی را در اختیار ترکیه قرار می دهد و همین موضوع باعث می شود اردوغان در برابر مواضع بین المللی ضد داعش سکوت کند یا تمام تلاش خود را به کار گیرد و طوری موضع بگیرد که منافع حضور داعش برای او در عراق و سوریه به خطر نیفتد.

مولفه های جدید و اثرگذار در روابط

ترکیه در صدد است خود را به عنوان الگویی نوین از یک کشور اسلامی در جهان اسلام و دنیای مدرن معرفی کند. همین ادعا ناخودآگاه رقابتی را میان تهران و آنکارا به وجود آورده است که لازمه آن پرهیز از بروز تنش در روابط دو کشور است. الگوی انقلاب اسلامی از ابتدای پیروزی آن در ایران، میان کشورهای اسلامی بخصوص شیعیان موجب بروز تحولاتی شده، این در حالی است که امروز ترکیه می کوشد همین راه یعنی الگوسازی برای دیگر کشورها را بییماید.

علاوه بر این، رقابت برای اثرگذاری در مناسبات منطقه ای همانند بحران سوریه و عراق و حتی موضعگیری در بحران غزه، روابط ایران و ترکیه را دچار پیچیدگی هایی کرده است. این شاید با آنچه در ظاهر دیده می شود متفاوت باشد و سفرهای دوجانبه در همین یکی دو سال اخیر در سطوح مختلف پیام دیگری را به کنشگران سیاسی بدهد، اما عمیق ترین معنای این تعبیر همان رقابت پیدا و پنهانی است که از آن یاد شد.

با این همه، روسای جمهور و مقامات دیپلماتیک دو کشور تلاش زیادی برای نزدیک شدن مواضع خود دارند. آنها هرچند اختلاف نظرات خود را پنهان نمی کنند، اما دریافته اند در یک جبهه مشترک بهتر می توانند در بسیاری از مسائل منطقه، منافع خود را پیگیری کنند. ترکیه نیز همانند ایران به هیچ وجه به دنبال ایجاد تنش در روابط خود با همسایگان نیست، ولی برخی اقدامات و مواضع این کشور این روابط را از حالت طبیعی خود خارج کرده است. زمینه سازی های ترکیه برای فعالیت گروه های تروریستی یکی از همین موارد است که به اعتقاد برخی فرجام مناسبی را در مناسبات منطقه ای نخواهد داشت.

این حمایت در بحران کوبانی نیز هرچند می تواند در نهایت برای ترکیه منافع مانند تضعیف پ. ک. ک را به همراه داشته باشد، ولی انتظارات را از این کشور برای حل انسانی این بحران افزایش داده است. از کنترل خارج شدن ابعاد مختلف این بحران کمترین خطر و اتهامی را که برای آنکارا در پی خواهد داشت کم کاری برای جلوگیری از بروز فجایع جنگی و انسانی خواهد بود.

سیدناصر نعمتی / جام جم